

نقاشان اروپایی در ایران در دوره قاجار^۱

آشنایی ایرانیان با سبکهای هنری اروپا با روابط سیاسی ایران و اروپا در قرن یازدهم/ هفدهم آغاز شد و در قرن سیزدهم/ نوزدهم گسترش یافت. در بخش عظیمی از اروپا، تغییرات صنعتی و اجتماعی و فرهنگی باعث تحول سیستم سیاسی شد و به سلطنت مطلقه و ملوک الطوائفی و جامعه طبقاتی، که قرنها ادامه یافته بود خاتمه بخشید. همانطور که اشتفن آیزن^(۱) در کتاب هنر قرن نوزدهم: تاریخ انتقادی میگوید، در مراحل تغییر حکومت شاهی به دموکراسی، بورژواها در حدود صد سال بخشهایی از اروپا را در اختیار داشتند. از طرفی، طبقه کارگر، کشاورزان، و زنان عقاید انقلابی روشن فکران را دنبال کردند تا تساوی حقوق و آزادی خود را به دست آورند.^۲ از طرف دیگر، کشورهای قدرتمند صنعتی کشورهای ضعیفتر در افریقا و امریکای جنوبی و خاورمیانه را فتح، و به این ترتیب، سلطه اقتصادی و نظامی خود را در دوران تشکیل مستعمرهها^(۳) در این مناطق تثبیت کردند. مثلاً، بریتانیا نفت و سایر منابع ایران را تحت اختیار گرفت تا راههای دستیابی به هند را در سیطره خود نگه دارد. کشورهای مثل ایران از دخالتهای پیاپی این کشورهای اروپایی، که سعی می کردند مقاصد خود را به نام مدرن سازی، دوستی دوطرفه، یا تجارت تحمیل کنند، ضربه های بسیاری خوردند. بریتانیا، آلمان، فرانسه، و ایالات متحد آمریکا به دنبال زمینها و منابع ارزشمند بودند. یکی از راههای رسیدن به این هدف فرستادن سفیران و سایر سیاستمداران، نظامیان، تاجران، باستان شناسان، و هنرمندان به کشورهای مختلف بود تا اطلاعات لازم برای سرمایه گذاری را به اروپا ببرند. علاوه بر این اطلاعات، تعدادی چشمگیر از گنجینه ها و آثار هنری باستانی و معاصر هم به اروپا منتقل شد، که ثروت موزه ها و مجموعه های خصوصی را دوجندان کرد.

هنرمندان اروپایی که در قرن سیزدهم/ نوزدهم به خاورمیانه سفر کردند دو گروه عمده بودند: شرق شناسان و مأموران سیاسی. شرق شناسان به دنبال اندیشه های بکر و موضوعهای ناآشنا برای غرب بودند تا مخاطب غربی خود را تحت تأثیر قرار دهند؛ در حالی که هنرمندانی که در سمت مأمور سیاسی و نظامی فرستاده شده بودند هدف دیگری داشتند: مأموریت آنان بررسی وضعیت و جمع آوری و ثبت اطلاعات به شکل تصویر و تهیه

در دوره قاجار هنرمندان ایرانی علاقه زیادی به نقاشی دوره های رنسانس و باروک و نیز رئالیسم سده نوزدهم اروپا نشان دادند. یکی از علل عمده این گرایش حضور هنرمندان اروپایی در ایران بود که بیشتر آنها را حکومتهاشان برای تحقیق در اوضاع اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی ایران، و جمع آوری اطلاعات دیداری و تهیه نقشه های برای اهداف نظامی فرستاده بودند. این طرحها و نقاشیهای اروپایی در حکم گزارشهای بصری بودند که به گونه ای هدفمند دقیق و مفصل و واقع بینانه تهیه می شدند.

شاهان و شاهزادگان قاجار که در تماس مستقیم با هنرمندان سیاح اروپایی بودند، هنرمندان دربار را برای ارائه توصیف دقیق از اشیاء و افراد به پیروی از شیوه غربی واداشتند. علاوه بر این، این احتمال وجود دارد که هنرمندان دربار بر اثر ارتباط با هنرمندان اروپایی با قواعد طراحی و نقاشی اروپایی آشنا شده باشند. نویسنده بر آن است که به دلایل فوق، نقاشی ایران در دوره قاجار تا حد زیادی به واقع گرای گرایید.

(1) Stephen Eisenman

(2) colonial period

نقاش دیگری به نام ژول لورانس^(۶) در ژوئیه ۱۸۴۷م، در زمان حکومت محمدشاه، به ایران و ترکیه فرستاده شد. در ایران، لورانس تعداد بسیاری طرح از مردم و مناظر کشید. او در سال ۱۸۵۰ به پاریس بازگشت. برتری لورانس بر دیگر نقاشان اروپایی این بود که محمدشاه به او اجازه داد که چهره نگاره‌ای از عمه شاه، فرح خاتم، در حرم‌سرای خصوصی نقاشی کند و به این ترتیب، لورانس اطلاعاتی هم درباره زندگی زنان حرم‌سرا کسب کرد.^۷ متأسفانه نویسنده تا کنون موفق نشده است که اطلاعاتی درباره این نقاشی به دست آورد.

از آنجا که این هنرمندان وظیفه داشتند که اطلاعاتی تصویری درباره ایران تهیه کنند، طراحیا و نقاشیهایشان بسیار دقیق و نزدیک به واقعیت است. یکی از این هنرمندان لویی امیل دوئوسه^(۷) نقاش فرانسوی است. او در ۱۸ آوریل ۱۸۲۳م (۱۲۰۲ش) متولد شد، بعدها به مدرسه نظام رفت و به ارتش پیوست. در سال ۱۸۵۸ به ایران فرستاده شد. در آن زمان، ناصرالدین‌شاه از دولت فرانسه تقاضا کرده بود که گروهی را به ایران بفرستد تا ارتش ایران را طبق معیارهای فرانسوی تعلیم دهد. دوئوسه به مردم‌شناسی و قوم‌شناسی بسیار علاقه‌مند بود و در طول سفر به تهران، بیش از ششصد طرح از مردم در نقاط مختلف ایران کشید. یک سال بعد، به اصفهان، شیراز، کرمان، بلوچستان، و خراسان سفر کرد و به مطالعه فرهنگ لر، بختیاری، بلوچ، ارمنی، و ترکمن پرداخت. دوئوسه صدها طرح با مداد، آبرنگ، و قلم و مرکب کشید که تصاویر سربازان و اسلحه‌هایشان، زنان و مردان اقوام مختلف، ناصرالدین‌شاه و درباریان، گماشتگان، خدمتکاران، مکانهای مقدس، پلها، کوهها، دریاچه‌ها، شهرها و دروازه شهرها را دربر داشت. او ایران را پس از سه سال ترک کرد. آثار دوئوسه ناپلئون سوم و ملکه اوژنین را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۸۶۳، این آثار را در آکادمی علوم فرانسه به نمایش گذاشتند و وزارت علوم فرانسه کتابی از طراحیهای دوئوسه چاپ کرد.^۵ طراحیهای او از مردم شامل جزئیات دقیقی از لباسها و خصوصیات فردی مدل می‌شود؛ به طوری که می‌توان مقام اجتماعی و قوم و جنسیت و شغل فرد را به خوبی حدس زد. دوئوسه به دربار ناصرالدین‌شاه نیز راه یافت و دست‌کم دو طرح از شاه کشید. یکی از



نقشه بود. این هنرمندان، بر خلاف شرق‌شناسان، فقط به منظور کسب تجربه‌های هنری سفر نمی‌کردند. بنا بر این، حضور برخی از آنان در ایران این امکان را به آنان داد که اطلاعات تصویری بسیاری درباره فرهنگ، جامعه، دستگاه سیاسی و نظامی، مردم و مناطق مختلف تهیه کنند. مثلاً اوژن فلاندن^(۳) هنرمند ایتالیایی که در پاریس زندگی می‌کرد، و پاسکال کوست^(۴) هنرمند فرانسوی، را در سال ۱۸۴۰ به ایران فرستادند تا درباره اوضاع سیاسی ایران در زمان حکومت محمدشاه (۱۸۳۴-۱۸۴۸م) اطلاعات جمع کنند. ادوآر دوسرسی^(۵) که رهبری این مأموریت را به عهده داشت، نتوانست وظایف سیاسی خود را به خوبی انجام دهد و به فرانسه بازخوانده شد. اما فلاندن و کوست در ایران ماندند و به همدان و کرمانشاه و اصفهان و شیراز و تحت جمشید سفر کردند. آن دو پس از دو سال و نیم به فرانسه برگشتند و در سال ۱۸۵۱ کتابی شش جلدی درباره ایران چاپ کردند.^۲

ت. لویی دوئوسه، شاه‌میرزا، یکی از سران ترکمن در خیوه در لباس نظامی قدیمی، مجموعه خصوصی منوچهر میرزا و رکسانا فرمانفرمایان. مأخذ: *Journal of the International Qajar Studies*, p. 135

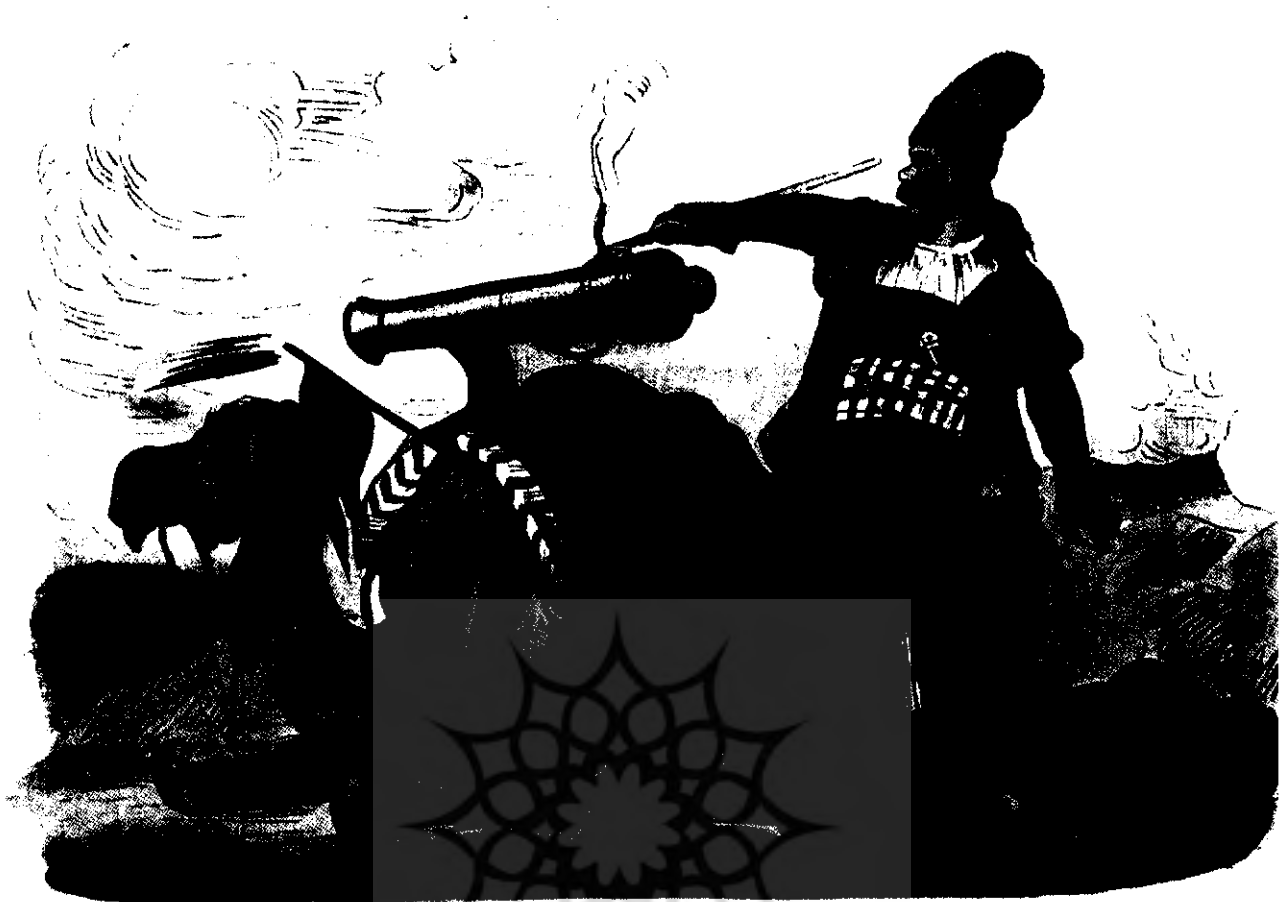
(3) Eugene Flandin

(4) Pascal Coste

(5) Edoard DeSersi

(6) Jules Laurens

(7) Louis Emile Duhoussert



ت ۲. یاسکال کوست،
توبیعی، چاپ رنگی،
ماخذ: ibid, p. 61.

(8) Alberto Pasini

(9) Basseto

(10) Cavoretto

(11) Prosper
Bourre

کارگاه خود تمام می‌کرد.^۸ تعدادی از نقاشیها و طراحیها و
تمرینهای این هنرمند از مناظر ایران، سختیها و مشکلات
سفر، به‌خصوص در زمستان، را به‌خوبی نشان می‌دهد.
نقاش دیگر آلبرتو پازینی،^(۸) که در سال ۱۸۲۶
در بستو^(۹) متولد شد و در سال ۱۸۹۹ در کاورتو^(۱۰)
درگذشت، در پاریس در سال ۱۸۵۱ با پروسپر بور^(۱۱)
ملاقات کرد. آن دو در همان سال برای مأموریت سیاسی
به ایران آمدند تا تأثیر دولت روسیه را بر ناصرالدین‌شاه
خنثا کنند. طراحیهای پازینی بر شاه بسیار اثر کرد،
به‌طوری که از نقاش دعوت کرد که در سفرها و شکار
همراهی‌اش کند. علاوه بر آن، اعضای خانواده سلطنتی
تعدادی نقاشی به پازینی سفارش دادند. این نقاش در
سال ۱۸۵۶ به ایتالیا رفت و آثارش از ایران و عربستان و
آذربایجان و سوریه را به نگارخانه‌های هنری در پاریس
فرستاد.^۹

سایر نقاشانی که اطلاعات مهمی از خود باقی
گذاشتند: اوژن فلاندن، همان‌طور که قبلاً گفته شد صدها

این طراحیها شاه را در حال طراحی از دوئوسه نشان
می‌دهد.^۶ این طراحیها ثابت می‌کند که شاه و شاهزادگان
و حتی شاید نقاشان درباری با تکنیک دوئوسه آشنا
شده بودند. علاوه بر آن، دوئوسه یکی از مریبان بخش
تعلیمات نظامی مدرسه دارالفنون بود و به احتمال زیاد،
بعضی از آثار و تکنیکهای خود را به معلمان ایرانی که در
آنجا هنر تدریس می‌کردند، نشان داده بود (ت ۱).

تعدادی دیگر از هنرمندان اروپایی که همراه با
سیاست‌مداران به ایران سفر کرده بودند هم به دربار
دعوت می‌شدند و این امکان را می‌یافتند که آثارشان را
به شاهان قاجار نشان دهند یا چهره آنان را نقاشی کنند.
شاهان هم مجذوب واقعی بودن این نقاشیها و تکنیک
نقاشان می‌شدند. مثلاً ژول لورانس در خاطرات خود
می‌نویسد که محمدشاه از چهره‌نگاره‌ای که از او نقاشی
کرده بود بسیار خوشش آمد و چند تابلو رنگ‌وروغن
به او سفارش داد.^۷ لورانس نقاش منظره بود و از طبیعت
به شیوه واقع‌گرایانه نقاشی می‌کرد و آثارش را در



ت. ۳. سرهنگ کلمباری،
زنبورکچی‌ها.
مأخذ: همان

در سال ۱۸۵۸ به ایران سفر کرد. او که در سمت گروهبان به گارد سلطنتی پیوسته بود، مأمور ثبت تجهیزات نظامی و صحنه‌های جنگی در نقاشی‌هایش بود.^{۱۶}

حضور نقاشان غربی در ایران به آگاهی و علاقه ایرانیان به سبکها و تکنیکهای نقاشی اروپایی افزود. شاهان قاجار که سفارش‌دهندگان اصلی آثار هنری بودند، مستقیماً با هنرمندانی که به ایران سفر می‌کردند، تماس داشتند و نقاشان درباری ایران را تشویق کردند که سبک هنرمندان اروپایی را تقلید کنند. از آنجا که این هنرمندان ایرانی در دربار زندگی می‌کردند، به احتمال زیاد نقاشان اروپایی را ملاقات می‌کردند و حتی شاید مستقیماً از آنان تعلیم می‌گرفتند.

شاید نقاشان اروپایی بدون قصد، اصول تصویری نقاشی غربی، به‌خصوص واقع‌گرایی، را در ایران جا گذاشته باشند. نقاشان ایرانی به بعضی از این خصوصیات — مانند به تصویر کشیدن بدبختی و مصیبت، شخصیت افراد، تفاوت‌های اجتماعی‌ای چون درجه، قوم، جنس، و شغل — توجه و علاقه نشان دادند. بنا بر این، سفر هنرمندان اروپایی به ایران را باید یکی از عوامل اصلی گسترش مکتب واقع‌گرایی^(۱۷) در نقاشی ایران در قرن نوزدهم شمرد. □

نقاشی و طرح از شهرها، کوهها، مناظر زیبا و مردم کشید^{۱۱} و پاسکال کوست که همراه با فلاندن به ایران سفر کرد و مأمور تهیه حکاکی از آثار معماری و طراحی از صحنه‌های جنگ بود (ت. ۲).^{۱۱} همچنین، آثار سرهنگ کلمباری^(۱۲) از صحنه‌های جنگ را فرماندهان ارتش ایران مطالعه می‌کردند.^{۱۲} ژان دیولافوئا^(۱۳) نیز که همسر افسری فرانسوی بود، از مناطق مختلف ایران طراحی کرد و کارهایش هنوز مورد توجه مورخان است.^{۱۳} تمامی این نقاشان سبکهای هنری اروپا در قرن نوزدهم را به هنرمندان و هنردوستان ایرانی معرفی کردند (ت. ۳).

سه هنرمند دیگر نیز به ایران سفر کردند. یکی از آنان امیل پریس دوان^(۱۴) (۱۸۰۷-۱۸۷۹)، باستان‌شناس و نقاش و تصویرگر فرانسوی بود، که به مصر، فلسطین، سوریه، هند و ایران سفر کرد.^{۱۴} دیگری ادوین لرد ویکس^(۱۵) (۱۸۴۹-۱۹۰۳) نقاش در سال ۱۸۴۹ در بوستون آمریکا متولد شد و در سال ۱۹۰۳ در پاریس درگذشت. او در سال ۱۸۸۲ از طریق ترکیه و ایران به هند سفر کرد و بعدها کتاب *از دریای سیاه به ایران و هند* را منتشر کرد و نقاشی‌هایش را در پاریس، برلین، مونیخ، لندن، بوستون، و فیلادلفیا به نمایش گذاشت.^{۱۵} آتری بلوکویل^(۱۶) پزشک، نقاش، و عکاس فرانسوی نیز

(12) Colonel F. Colombari

(13) Jean Dieulafoy

(14) Emile Prise d'Avennes

(15) Edwin Lord Weeks

(16) Henry Blocqueville

(17) Realism

8. Eisenman, op. cit, p. 246.

9. Thornton, op. cit, pp. 124-125.

10. Jean Calmard, "Flandin and Coste."

11. ibid.

12. Manoutchehr M. Eskandari-Qajar. "Mohammad Shāhd Qajar's Nezam-e Jadid and Colonel Colombari's Zambourakchis."

سرهنگ کلمباری در سال ۱۸۳۳، در زمان حکومت محمدشاه، به ایران سفر کرد و تا سال ۱۸۴۸ که محمدشاه درگذشت، در سمت مشاور در ارتش ایران خدمت کرد. او مانند دیگر هنرمندان اروپایی، تعداد بسیاری اتود و نقاشی خلق کرد. فرماندهان ایران از اتودهای کلمباری، که از صحنه‌های جنگی تهیه کرده بود، برای مطالعه فنون جنگی استفاده می‌کردند.

۱۳. نک:

Jean Dieulafoy, *La Perse, la Chaldee et la Susiane*.

۱۴. نک:

Thornton, op. cit, P. 264.

۱۵. نک:

Thornton, op. cit, p. 267.

۱۶. یحیی ذکاء، تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، ص ۴۱.

Eisenman Stephen F. Eisenman, *Nineteenth Century Art: A Critical History*, London: Thames and Hudson, 1998.

Thornton, Lynne. *The Orientalists Painter: Travelers 1828-1908*, Paris, ACR Edition International, 1983.

Thrnton, Lynne. *Women as Portrayed in Orientalist Painting*, Paris, ACR Edition, International, 1985.

Calmard, Jean. "Flandin and Coste", in: *Encyclopedia Iranica*.

Encyclopedia Iranica, <http://www.iranica.com/articles/>

Eskandari- Qājār, Manoutchehr. "Mohammad Shāh Qajar's Nezam-e Jadid and Colonel Colombari's Zambourakchis", in: *Qājār Studies, Journal of the International Qājār Studies Association*, vol. V (2005), pp. 54-62.

Dieulafoy, Jean. *La Persa, La Chaldee et la Susiane*, Paris, Librairie Hachette, 1887.

- دوهوسه، لویی امیل. سفری به ایران، ترجمه منوچهر فرمانفرمائیان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.

- ذکاء، یحیی. تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

پی‌نوشتها:

۱. متن انگلیسی این مقاله در شمارهٔ پیشین *گلستان هنر* با این مشخصات به چاپ رسیده است:

Mahshid Modares, "European Artists in Iran during the Qajar Period", in: *Golestān-e Honar* 8 (Summer 2007), pp. 7-11.

2. Stephen F. Eisenman, *Nineteenth Century Art: A Critical History*, p. 7:

«دوران مدرن تشکیل مستعمره‌ها در سال ۱۵۰۰ شروع شد و به کثیف راهبای دریایی در اطراف سواحل جنوبی آفریقا در سال ۱۴۸۸ و آمریکا در سال ۱۴۹۲ انجامید. این وقایع سبب شد که قدرت نیروی دریایی از مدیترانه به آتلانتیک و در نتیجه به نظام سرمایه‌داری ... که در حال رشد بود منتقل شود. این نظام، اقتصاد معاملهٔ آزاد یا عملیات اقتصادی و بازرگانی در سطح وسیع نیز نامیده می‌شد که از زمان براندازی نظام ملوک‌الطوایفی در اروپا در حال گسترش بود. در نظام سرمایه‌داری اکثر تولیدات را شرکتهای خصوصی می‌سازند و کنترل می‌کنند، و درآمد به جگونگی عملکرد بازار فروش بستگی دارد.»

3. Lynne Thornton, *The Orientalists Painter-Travelers 1828-1908*, p. 80.

بنا به گفتهٔ تورتون، اوژن فلاندن در سال ۱۸۰۳ در ناپل به دنیا آمد و در سال ۱۸۷۶ در پاریس درگذشت. پاسکال کوست در سال ۱۷۸۷ در ماری متولد شد و در سال ۱۸۷۹ وفات یافت.

4. ibid, p. 80.

تورتون می‌نویسد زول لوارنس در سال ۱۸۲۵ در کارپناترا متولد شد و در سال ۱۹۰۱ در سنت دیدیه درگذشت.

۵. دوهوسه، سفری به ایران، ترجمهٔ منوچهر فرمانفرمائیان، ص ۹.

۶. همان، ت ۷-۹.

7. Lynne Thornton, *Women as Portrayed in Orientalist Painting*, p. 204.